



Linguistic Research in the Holy Quran.

Vol. 13, No. 2, 2024

Research Paper

Analyzing the types of "overlapping", "consecutive" and "dispersed" compound Qasr in the context of the Holy Quran: relying on the unity of the subject and the multiplicity of styles

Azra Sadat Latifi Hosseini, Hossein Mohtadi*, Seyyed Haider Fare Shirazi

Master student, Department of Arabic language and literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Abstract

Qasr, which means assigning one thing to another and denying it to someone else, is one of the most used rhetorical styles in the Holy Qur'an, that God, in various subjects, according to the needs of the audience, to express his intention and understand its meaning more precisely, has used special ways of this style. Scholars of rhetoric have mentioned several divisions for the Qasr, in which more attention is paid to the sides of the Qasr. This research aims to present a new division for the Qasr based on the unity of the subject and the multiplicity of styles of the Qasr. Being careful in the verses containing Qasr styles, we notice that the theologian sometimes expresses a single topic in different ways, so that sometimes by using one Qasr style, he expresses his intended meaning, and on the other hand, sometimes he uses more than several styles in a single context or contexts. This can be seen as a means for a new division of the Qasr. This research aims to present the said division, and with a descriptive-analytical method, to answer questions such as, what new ways of rhetoric of Qasr styles can be proposed in the word of revelation. With a comparative analysis of overlapping, consecutive, and dispersed types of Qasr, it is determined with the Qur'anic evidence that the two elements of the unity of the subject and the context play an essential role in the definition of the compound Qasr; Also, the scope of the context determines the types of compound Qasr.

Keywords: Holy Qur'an, Compound Qasr, Style, Overlapping, Consecutive, Dispersed.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.140302.1929>

واکاوی انواع قصر مرکب «متداخل»، «متوالی» و «متناثر» در سیاق قرآن کریم: با تکیه بر

اتحاد موضوع و تعدد اسالیب

عذرا السادات لطیفی حسینی^۱، حسین مهتدی^۲، سید حیدر فرع شیرازی^۳

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

h.sadat57@gmail.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

mohtadi@pgu.ac.ir

۳- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

shirazi@pgu.ac.ir

چکیده

قصر به معنای اختصاص امری به امر دیگر و نفی آن از غیر او، از اسلوب‌های پرکاربرد بلاغی در قرآن کریم است که خداوند، در موضوعات مختلف، با توجه به اقتضای حال مخاطب، برای بیان مقصود خود و تفهیم دقیق‌تر معنای آن، شیوه‌های خاصی از این اسلوب را به کار برده است. علمای بلاغت تقسیمات متعددی برای قصر ذکر کرده‌اند که در آنها بیشتر به طرفین قصر توجه شده است. این پژوهش درصدد ارائه تقسیم جدیدی برای قصر به اعتبار وحدت موضوع و تعدد اسالیب قصر است. با دقت در آیات حاوی اسالیب قصر، دریافت می‌شود متکلم گاه موضوع واحدی را به روش‌های مختلف بیان کرده است؛ به گونه‌ای که گاه با به‌کارگیری یک اسلوب قصر، معنای مدنظرش را بیان کرده و درمقابل، گاه بیش از چند اسلوب را در سیاق واحد یا سیاق‌های مختلف به کار می‌برد که می‌توان آن را وجهی برای تقسیم جدیدی از قصر دانست. این پژوهش درصدد ارائه تقسیم مذکور است و با روش توصیفی تحلیلی به سؤالاتی از این قبیل پاسخ می‌دهد: در کلام وحی چه شیوه‌های جدیدی از بلاغت اسالیب قصر طرح‌شدنی است؛ منظور از قصر مرکب چیست و سیاق متن چه تأثیری بر آن دارد. با تحلیلی تطبیقی از انواع قصر متناثر و متداخل و متوالی با شواهد قرآنی مشخص می‌شود دو عنصر وحدت موضوع و سیاق نقش اساسی در تعریف قصر مرکب داشته. همچنین، دامنه سیاق تعیین‌کننده انواع قصر مرکب دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، قصر مرکب، اسلوب، متداخل، متوالی، متناثر.

۱. طرح مسئله

مخاطب، برای بیان و تفهیم دقیق‌تر معنای مقصود خود،

شیوه‌های خاصی از این اسلوب را به کار برده است. این اسلوب به‌عنوان قوی‌ترین روش تأکید مضمون کلام، نقش برجسته‌ای در فهم و تفسیر متن دارد؛ از این رو، همواره

قصر به معنای اختصاص امری به امر دیگر و نفی آن از غیر او، از اسلوب‌های پرکاربرد بلاغی در قرآن است که خداوند، در موضوعات مختلف، با توجه به اقتضای حال

شایان توجه اهل بلاغت بوده است؛ به گونه‌ای که بیشتر آنها در کتب بلاغی خود از قدیم تا معاصر، باب مفصل و مجزایی را به قصر اختصاص داده و در آن به مباحثی از جمله تعریف، اهداف، اغراض بلاغی، اقسام و شیوه‌های آن پرداخته‌اند.

علمای بلاغت، براساس معیارهای مختلف، تقسیمات متعددی را برای قصر ذکر کرده‌اند؛ گاه قصر را به اعتبار حقیقت و واقع به قصر حقیقی و اضافی و گاه به اعتبار طرفین قصر یعنی مقصور و مقصور علیه به قصر موصوف بر صفت و قصر صفت بر موصوف تقسیم کرده‌اند. بلاغیون تقسیم دیگری به اعتبار اعتقاد و حال مخاطب برای قصر مطرح کرده‌اند و قصر را از این نظر به قصر افراد، قصر تعیین و قصر قلب تقسیم کرده‌اند.

به نظر می‌رسد تقسیمات مذکور، بیشتر به جنبه معنایی حاصل از قصر یا غرض استعمالی متکلم آن هم به اعتبار طرفین قصر توجه دارد و از نوع افراد یا ترکیبی بودن اسالیب قصر و غرض استعمال آنها سخنی به میان نیامده است؛ فقط در ضمن بیان تفاوت اسالیب قصر از مجامعت یا عدم مجامعت برخی اسالیب با یکدیگر سخن گفته شده است. در برخی پژوهش‌ها نیز در جایی که دو اسلوب متفاوت از قصر ذکر شده، تعبیر به «قصر مرکب» شده است که استعمال آن را دال بر تأکید بیشتر ذکر کرده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام از این منابع، کیفیت کاربرد اسالیب در کلام و غرض استعمالی آن را به عنوان وجه مستقلی برای تقسیم ذکر نکرده‌اند. با توجه به محوریت قرآن در تمام علوم و معارف اسلامی و اینکه هر نوع تعلیم و تربیتی از آیات قرآن آغاز می‌شود، همچنین با علم به اینکه خداوند متعال با انتخاب کلمات و چینش آنها در اسلوبی خاص در پی تفهیم معنای مدنظر خود به مخاطب است، دقت در این اسالیب برای کشف معنا و مقصود دقیق آیات ضروری به نظر می‌رسد. با دقت در آیاتی که در آنها اسالیب قصر به کار رفته است، دریافته می‌شود متکلم گاه موضوع واحدی را به روش‌های مختلف و به صورت افراد

یا ترکیب اسالیب در ضمن سیاق واحد یا سیاق‌های مختلف بیان کرده است؛ به گونه‌ای که گاه با به‌کارگیری یک اسلوب قصر در کلام خود، معنای مدنظرش را بیان می‌کند و با توجه به سیاق نیازی به تکرار اسلوب نمی‌یابد و در مقابل، گاه برای بیان مقصود خود، بیش از چند اسلوب را در سیاق واحد یا سیاق‌های مختلف به کار می‌برد که می‌توان آن را وجهی برای تقسیم جدیدی از قصر دانست. بیان و استخراج شیوه‌های جدید انواع قصر در قرآن کریم با توجه به سیاق متن، موجب دانش‌افزایی در حوزه معرفتی کلام وحی می‌شود و افق جدیدی را برای پژوهشگران قرآنی خواهد گشود؛ ضمن اینکه ابعاد تازه‌ای از فصاحت و بلاغت زبان وحی به‌ویژه در زمینه بلاغت اسالیب متعدد قصر به نمایش می‌گذارد. این پژوهش برای رسیدن به این منظور با دقت در آیاتی که موضوع واحدی را مطرح کرده‌اند و استخراج آیات حاوی بیش از یک اسلوب قصر، از میان آنها و توجه به کیفیت به‌کارگیری اسالیب قصر در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر برآمده است تا از خلال آنها به تعریف صحیحی از قصر مرکب دست یابد.

۱. در کلام وحی چه شیوه‌های جدیدی از بلاغت اسالیب قصر، طرح‌شدنی است؟

۲. منظور از قصر مرکب یا به عبارت دیگر، اسالیب ترکیبی قصر، چیست؟ و سیاق متن چه تأثیری بر آن دارد؟

۳. چه معیار و ملاکی را می‌توان برای تقسیم‌بندی جدید قصر مرکب در نظر گرفت؟

فرضیه اصلی این است که با در نظر گرفتن ظرفیت وسیع زبان وحی، فهم بلاغی قرآن کریم در حال گسترش بوده است؛ بنابراین، در یک نگاه کلی دو نوع قصر مفرد و مرکب متصور است. سپس قصر مرکب - که محوریت اصلی این پژوهش است - از نظر وحدت یا تشابه موضوع و تعدد اسالیب براساس سیاق، آیه، سوره یا کل متن قرآن کریم به سه نوع فرعی «متداخل»، «متوالی» و «متناثر» منشعب می‌شود. بحث از معنای لغوی و

اصطلاحی قصر در پژوهش های مختلف، بررسی شده است؛ از این رو، در این پژوهش تکرار نشده است و بر همین اساس، در ادامه این پژوهش، ضمن تعریفی مختصر از قصر، اسالیب قصر و انواع آن طبق نظر پیشینیان، بی درنگ به مقوله اصلی تعریف جدید از قصر مفرد و مرکب و به طور خاص به گونه های مختلف قصر مرکب با توجه به زبان اختصاصی قرآن، پرداخته خواهد شد و برای تبیین دقیق این نوع قصر سعی شده است برای هر کدام از انواع قصر مرکب شاهد مثال هایی از آیات قرآن ارائه شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش:

موضوع «قصر» به عنوان یکی از پربسامدترین اسالیب به کاررفته در قرآن، نقش مهمی در تبیین آیات قرآن دارد؛ از این رو، بسیاری از پژوهشگران علوم قرآنی به آن توجه داشته اند؛ به طوری که بیشتر علمای قدیم و جدید بلاغت در کتب بلاغی خود به این بحث پرداخته اند. با بررسی کتب و پژوهش های صورت گرفته در موضوع قصر تا آنجا که اطلاع حاصل شد، پژوهشی با موضوع تقسیم قصر به اعتبار وحدت موضوع و تعدد اسالیب صورت نگرفته است؛ فقط در چند مورد اشاره ای به عنوان «قصر مرکب» شده است؛ از جمله:

۱. مدرس افغانی، محمدعلی (۱۳۶۲ش)، المدرس الافضل فیما یرمز و یشار الیه فی المطول. مؤلف این کتاب در مبحث قصر در ضمن بیان تفاوت های اسالیب قصر از مجامعت یا عدم مجامعت برخی اسالیب قصر با یکدیگر سخن گفته است.

۲. الظهار، نجاح احمد عبدالکریم (۱۴۰۲-۱۴۰۳ه)، القصر و أسالیبه مع بیان أسرارها فی الثلث الاول من القرآن الکریم. نویسنده این کتاب پس از بیان تفصیلی قصر، ذکر اقسام و طرق مختلف آن به تحلیل آیات حاوی اسلوب قصر را با توجه به مضامین آنها در ثلث اول قرآن پرداخته و اسرار بلاغی اسالیب قصر را با توجه به سیاق آیات بررسی کرده و در ضمن ذکر چند آیه از قرآن به عنوان

مثالی برای قصر مرکب از این سبک نام برده است.
۳. دراز، صالح عبید (۱۴۰۶ه)، أسالیب القصر فی القرآن الکریم و أسرارها البلاغیة. در این کتاب ضمن بحث مفصلی از قصر و اقسام آن، تاریخچه، اهداف، طرق اصطلاحی و غیر اصطلاحی قصر، اسرار بلاغی این اسالیب ذکر شده و به صورت جزئی از توالی و تداخل اسالیب قصر سخن به میان آمده است.

۴. صیادانی، علی و فارسی، بهنام (۱۴۳۸ق)، «دراسة تحليلیة فی الفروق المعنویة بین أسالیب القصر». در این پژوهش، نگارنده ضمن معرفی طرق قصر، دلالت های بلاغی هر کدام را ذکر کرده و در ضمن بیان فروق این اسالیب، به صورت خیلی جزئی به قصر مرکب اشاره ای کرده است.

امتیاز این پژوهش این است که به طور مستقل تقسیم بندی انواع قصر مرکب «متداخل»، «متوالی» و «متناثر» در سیاق قرآن کریم: با تکیه بر اتحاد موضوع و تعدد اسالیب پرداخته است و نخستین پژوهشی است که سعی دارد با استخراج آیات در بردارنده اسلوب قصر و توجه به کیفیت استعمال اسالیب در سیاق کلام، حالت های مختلف تعدد اسالیب قصر در موضوع واحد را شناسایی کند و از این منظر تقسیم جدیدی برای قصر ارائه دهد.

۲. قصر و انواع آن در بلاغت

هر پژوهشی قبل از ورود به بحث اصلی، مستلزم تبیین مفاهیم و ذکر مسائلی است که زمینه ساز آن بحث اند. قصر مرکب نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای تبیین و ارائه تعریفی صحیح برای این اصطلاح، لازم است در ابتدا مفاهیم «قصر» و «حصر» در لغت و اصطلاح بررسی شده اند؛ سپس به بررسی معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی مدنظر از واژه «مرکب» پرداخت تا از این منظر بتوان به تعریفی مناسب از اصطلاح «قصر مرکب» دست پیدا کرد.

۲-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی قصر (=حصر)

بحث از معنای لغوی و اصطلاحی قصر در پژوهش‌های مختلفی بررسی شده است؛ از این رو، در این پژوهش به تعریفی مختصر از آن اکتفا می‌شود. «قصر» در لغت به معنای کوتاهی و متضاد «طول» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص. ۹۵)، «حَسَب» مانند قول خداوند متعال (حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) (رحمن، ۷۲)، مقصورات به معنای محبوسات (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۸، ص. ۲۷۹) به کار رفته است، حصر نیز به معنای حبس کردن و در مضيقه و تنگنا قرار دادن است (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص. ۵۱۴). از نظر لغوی هر دو واژه به یک معنا به کار رفته‌اند. سیوطی هر دو واژه حصر و قصر را به کار برده و گفته است: «و اما حصر، به آن قصر نیز گفته می‌شود و آن تخصیص یک امر است به دیگری به طریق مخصوص. همچنین، گفته قصر به معنای اثبات حکم برای امر مذکور و نفی آن از غیر آن است» (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۱۶۳). تفتازانی اصطلاح قصر را «اختصاص دادن و محدود کردن امری به امر دیگر به شیوه‌ای خاص» (تفتازانی، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۵) تعریف کرده است. دسوقی عبارت را شرح داده و منظور از طرق مخصوص و شیوه خاص را یکی از چهار روش معروف و اصلی قصر یعنی (عطف، نفی و استثنا، إِنْما، تقدیم) یا ضمیر فصل، «ال» جنس و تعریف هر دو جزء مسند و مسندالیه ذکر کرده است (دسوقی، ۲۰۱۰م، ج ۲، ص. ۲۱۲).

۲-۲. اسالیب وضعی و غیر وضعی (ذوقی) قصر

برای درک و تبیین مفهوم قصر مرکب، آشنایی با اسالیب آن ضروری به نظر می‌رسد؛ به همین منظور، سعی می‌شود ضمن معرفی مختصری از اسالیب اصطلاحی قصر، به برخی تفاوت‌های بلاغی این اسالیب نیز اشاره شود. برخی از این اسالیب به صورت وضعی افاده قصر می‌کنند؛ به این معنا که این اسالیب برای همین منظور وضع شده‌اند و دلالت آنها بر قصر قطعی و مشخص است

و درمقابل برخی از این اسالیب، دلالتشان بر قصر همیشگی و قطعی نیست؛ بلکه از طریق معنی و فحوی و در ضمن سیاق کلام، افاده قصر می‌کنند.

۲-۲-۱. قصر به واسطه حروف عطف

در شیوه قصر به واسطه حروف عطف (بل، لا و لکن)، متکلم، منظور خود را با دو ساختار مثبت و منفی به‌طور صریح و موجز بیان می‌کند. هر کدام از حروف عطف ذکر شده در دلالت خود بر قصر، با حروف دیگر تفاوت دارد. در عطف به واسطه «لا» مقصور و مقصور علیه هر دو قبل از «لا» می‌آیند و مقصور علیه در مقابل آنچه ما بعد «لا» می‌آید، ذکر می‌شود. این اسلوب، دلالت صریح در نفی و اثبات دارد؛ از همین رو، دلالت آن بر قصر واضح است؛ در حالی که در عطف به واسطه (بل و لکن) مقصور علیه بعد از این حروف ذکر می‌شوند، عطف به واسطه «بل» اگر بعد از کلام منفی بیاید دلالت بر قصر دارد؛ زیرا در این حالت، دلالت بر ثبوت حکم برای مابعد خود و نفی حکم از ما قبل دارد و معنای اثبات و نفی در قصر را می‌رساند؛ در حالی که ذکر آن بعد از جمله مثبت، فاقد چنین دلالت است (زویعی، ۱۹۹۷م، ص. ۳۹۴).

۲-۲-۲. قصر به واسطه نفی و استثنا

در اسلوب نفی و استثنا، معنای قصر با هر کدام از ادات نفی و استثنا محقق می‌شود (دسوقی، ۲۰۱۰م، ص. ۲۴۶). در این روش، مقصور علیه بعد از ادات استثنا و مقصور قبل از آنها ذکر می‌شود (زویعی، ۱۹۹۷م، ص. ۳۸۹) و اگر به مقصور و مقصور علیه، هر دو توجه شود، هر دو پس از «الَّا» ذکر می‌شود؛ کلمه‌ای که بلافاصله بعد از «الَّا» ذکر می‌شود، مقصور علیه کلام است. کاربرد این روش در جایی است که مخاطب نسبت به حکم شک دارد یا منکر آن است (جرجانی، ۱۳۶۸، ص. ۴۱۹).

موضوع واحدی است که در سیاق‌های مختلف قرآن، تکرار شده و با توجه به مراد متکلم برای تأکید بر موضوع، در هر سیاق، از اسلوب خاصی از اسالسا قصر استفاده شده است. با توجه به آنچه از سیاق و تحدید دامنه آن و قصر متناثر گذشت، مشخص می‌شود با توجه به عنصر وحدت موضوع و ارتباط آیات با هم، دامنه سیاق در این نوع قصر کل متن قرآن را در بر می‌گیرد. این نوع استعمال، بیشتر در موضوعات پراهمیتی مانند اثبات توحید و وحدانیت در قالب حصر الوهیت در خداوند، حصر وظیفه پیامبران در انذار، حصر علم به زمان معاد به خداوند و ... به چشم می‌خورد.

۴-۳-۱. نمونه‌هایی از قصر متناثر

- قصر پیامبر در صفت انذار

خداوند متعال در سیاق‌های مختلف پیامبر را در صفت انذار محصور کرده و در هر سیاق، اسلوبی متناسب با سیاق و حال مخاطب به کار گرفته است. استفاده از اسلوب نفی به «إِنْ» و استثناء در آیاتی که شدت انکار بیشتر است، مانند (و ما بصاحبکم من جنّة إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مبین) (اعراف: ۱۸۴)، نسبت دادن جنون به پیامبر نشان‌دهنده شدت انکار نبوت پیامبر از سوی مشرکین است؛ از این رو، خداوند در مقام دفاع از پیامبر، ابتدا نسبت جنون را از وی نفی می‌کند. در ادامه، برای اثبات صفت انذار برای او از اسلوب شدید نفی و استثناء استفاده می‌کند. با انحصار پیامبر در وصف نذیر مبین، به وجه بلیغ‌تری، نفی نسبت جنون می‌کند. از آنجایی که لازمه انذار استفاده از براهین قوی و دلایل محکم است، این امر جز از طریق شخصی که عقل کامل و قلب سلیمی داشته باشد، میسر نمی‌شود (طاهر، ۲۰۰۷م، ص. ۱۶۶)، در آیه (إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ) (اعراف: ۱۸۸) پیامبر با حصر خود در صفت نذیر و بشیر، آگاهی به عالم غیب را از خود نفی می‌کند (ما أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مبین) (احقاف: ۹) و استعمال اسلوب إِنَّمَا در آیاتی که در معرض پاسخ و رد خواسته

مشرکین عرب یا اهل کتاب آمده، به سبب وضوح مسئله است (دراز، ۱۴۰۶، ص. ۱۱۷)؛ مانند آیه (و يقول الذین كفروا لولا انزل علیه آیات من ربّه إِنَّمَا انت منذر و لكلّ قوم هاد) (رعد: ۷) و (و قالوا لولا انزل آیات من ربّه قل إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ و إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مبین) (عنکبوت: ۵۰)، آیه (إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (ص: ۷۰) به فتح أَنَّمَا و در تقدیر لام تعلیل درصدد بیان انحصار علت وحی است و می‌گوید تنها علت وحی بر من، انذار و بیم‌دادن است نه چیز دیگر و در صورت کسر إِنَّمَا در جایگاه رفع به این معنی است که بر من فقط این سخن وحی شده است که انذار و تبلیغ کنم و در آن افراط نکنم (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص. ۱۰۴)، (إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مبین) (حج: ۴۹). در این آیه دو اسلوب تقدیم و إِنَّمَا با هم ذکر شده‌اند؛ ولی تقدیم افاده حصر ندارد.

- قصر پیامبر در بشریت

قصر پیامبر در بشریت با سیزده اسلوب با طرق مختلف در قرآن ذکر شده است. بیشتر آنها به زبان مشرکین است که با اثبات بشریت پیامبر درصدد انکار رسالت پیامبر بودند؛ زیرا فکر می‌کردند پیامبر نمی‌تواند از جنس بشر باشد؛ از این رو، با توجه به شدت انکار از نفی با «مَا» و استثناء استفاده شده است؛ مانند (إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا) (ابراهیم: ۱۰)، (فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ) (مؤمنون: ۲۴) و در آیه بعد (إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٍ فَنَرَبَصُّوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ) (مؤمنون: ۲۵) با اسلوب شدیدتر نفی به «إِنْ» و استثناء، بر انکار رسالت تأکید می‌کنند. گاه نیز به زبان پیامبران مانند (إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ) (ابراهیم: ۱۱)، قول پیامبران در جواب منکرین به یکی از شیوه‌های رایج آداب بحث است که در آن ابتدا با مخالفان همراهی می‌کند و دلیل آنها را می‌پذیرد؛ در حالی که اختلاف موضوع استدلال هنوز باقی است و به تدریج در پی اثبات دلیل

خود هستند، این نوع بحث تأثیر شدیدتری بر مخالفان دارد؛ بنابراین، قول پیامبران به معنای قول استدلال آنها نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای تبیین خطای استدلال آنها است؛ به همین دلیل، در ادامه آیا با استفاده از «لکن» استدراک در جایگاه توضیح و تصحیح استدلال است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص. ۲۳۲). آیه (قل إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدِ) (کهف: ۱۱۰) از زبان پیامبر اسلام است. استفاده از إِنَّمَا دلالت بر آگاهی مخاطبان به اصل بشریت پیامبر است. حصر در آیه از نوع اضافی قلب است و می‌گوید من انسانی هستم که از صفات بشریت تجاوز نکرده و علم به غیب ندارم (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص. ۶۴۷) تا عقیده آنها را که فکر می‌کردند پیامبر باید عالم به غیب باشد، تغییر دهد. گاهی با اسلوب تقدیم ذکر شده است؛ مانند (فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّمَّنْ وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعْرٍ) (قمر: ۲۴) که در آن بنابر اسلوب اشتغال، مفعول به مقدم بر فعل شده است؛ البته همان‌طور که ذکر شد این اسلوب همیشه مفید قصر نیست و دلالت آن بر قصر از فحوی و سیاق کلام، فهمیده می‌شود که در اینجا چنین برداشتی نمی‌شود؛ زیرا آیه در پی حصر تبعیت در پیامبر نیست؛ بلکه به این دلیل که بشریت پیامبر مسؤول عنه است و متصل به همزه استفهام صدارت طلب، مقدم شده است.

۵. نتیجه‌گیری

- دقت در آیات حاوی قصر، ما را به تقسیم جدیدی رهنمون می‌سازد که بلاغت قدیم به آن نپرداخته است، کیفیت اسالیب به‌کاررفته در کلام با موضوع واحد، وجه این تقسیم است که قصر را به مفرد و مرکب تقسیم کرده و قصر مرکب نیز خود به سه نوع قصر متوالی، قصر متداخل و قصر متناثر منشعب شده است.

- ترکیب دو یا چند اسلوب قصر به‌صورت تداخل، توالی یا تناثر در کلام واحد یا سیاق واحد را می‌توان قصر مرکب نامید.

- در تعریف قصر مرکب، دو عنصر وحدت موضوع و سیاق نقش اساسی دارد.

- استعمال دو یا چند اسلوب قصر در یک جمله برای بیان مفهوم واحد قصر متداخل نامیده می‌شود که یا همه این اسالیب مؤکد یکدیگرند و بر مفهوم واحدی دلالت دارند و گاه هر کدام از اسالیب درصدد بیان یک قصر است که متفاوت با دیگری است و جمع آنها در یک جمله ممکن نیست که ناچار باید یکی از این اسالیب ملغی از دلالت شود. با توجه به خصوصیات اسالیب و سیاق، حصر در آیه مختص یکی از اسالیب قرار داده می‌شود. گاه نیز دو اسلوب قصر در دو جمله متداخل به‌کار رفته‌اند؛ به گونه‌ای که یکی از جملات، معمول جمله دیگری است و درواقع قصر دوم در دل قصر اول به کار رفته است.

- استعمال دو یا چند اسلوب قصر به‌صورت پی‌درپی در یک سیاق، به گونه‌ای که قصرهای بعد مؤکد مضمون قصر اول‌اند، قصر متوالی نامیده می‌شود.

- تفاوت قصر متداخل مؤکد و متوالی در دامنه سیاق کلام است؛ در قصر متداخل، سیاق کلام یک جمله، فرض می‌شود و در قصر متوالی چند جمله پی‌درپی، سیاق واحدی را می‌سازند.

- استعمال یک موضوع با اسالیب مختلف و متعدد در سیاق‌های متفاوت را قصر متناثر گویند. با توجه به عنصر وحدت موضوع و ارتباط آیات با هم، دامنه سیاق در این نوع قصر کل متن قرآن را در بر می‌گیرد. این نوع استعمال بیشتر در موضوعات پراهمیتی مانند اثبات توحید و وحدانیت در قالب حصر الوهیت در خداوند، حصر وظیفه پیامبران در انذار، حصر علم به زمان معاد به خداوند و ... به چشم می‌خورد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهره اللغة*. دار العلم للملایین.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. الطبعة الثالثة.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. الطبعة الاولى.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ اجدی*. نشر اسلامی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۶). *مختصر المعانی (تفتازانی)*. نشر دار الفکر.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸). *دلائل الإعجاز فی القرآن*. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق). *حاشیة الشهاب المسماء عنایة القاضي و کفایة الراضی علی تفسیر البیضاوی*. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- دراز، صالح عبید (۱۴۰۶ق). *أسالیب القصر فی القرآن الکریم و أسرارها البلاغیة*. مطبعة الأمانة.
- دسوقی، محمد بن عرفه (۱۴۳۱ق - ۲۰۱۰م). *کتاب حاشیة الدسوقی علی مختصر السعد (عبدالحمید هنداو، محقق)*. المكتبة العصرية صیدا.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق). *البرهان فی علوم القرآن*. دار احیاء تراث عربی.
- زمخشري، محمود بن عمر (۱۹۷۹م). *أساس البلاغہ*. الطبعة الاولى.
- زویعی، طالب محمد اسماعیل (۱۹۹۷م). *البلاغہ العربیة علم المعانی بین بلاغہ القدامی و اسلوبیة المحدثین*. انتشارات جامعه قازیونس.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۴). *الاتقان فی علوم القرآن*. انتشارات امیرکبیر.
- صعیدی، عبدالمتعال (۱۹۷۳م). *بغیة الايضاح لتلخیص*
- المفتاح. مکتبه و مطبعة محمدعلی صبیح و اولاده.
- صیادانی، علی، و بهنام فارسی (۱۴۳۸ق). *دراسة تحليلیة فی الفروق المعنویة بین أسالیب القصر*. نشریه بحوث فی اللغة العربیة و آدابها، ۱۵، ۳۳-۴۶.
- طاهر، نسرین (۲۰۰۷م). *ظاهرة الحصر و القصر مفهوما و بلاغہ فی إطار القرآن*. أطروحة لنیل درجة الدكتوراه.
- الجامعة الوطنیة للغات الحدیثة والعلوم بإسلام آباد.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- الظهار، نجاح احمد عبدالکریم (۱۴۰۲-۱۴۰۳ق). *القصر و أسالیبه مع بیان أسرارها فی الثلث الاول من القرآن الکریم*. جامعه أم القرى بمکه المکرمة.
- عرفان، حسن (۱۳۶۸). *کرانه‌ها (شرح فارسی مختصر المعانی هجرت)*.
- فاضلی، محمد (۱۳۶۵). *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۴۰۰). *معناشناسی ۲*. سبحان.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۳). *بیولوژی نصر: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن*. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مدرس افغانی، محمدعلی (۱۴۱۰ق). *المدرس الافضل فیما یرمز و یشار الیه فی المطول*. نشر دار الکتب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. دار الکتب الاسلامیة.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۸). *جواهر البلاغہ (حسن عرفان، مترجم)*. نشر بلاغت.

Bibliography

- The Holy Quran
- Ibn Duraid, M. (1988AD). *Jamharat al-Lughah*. first edition, Beirut: Dar al-Ilm Lil-Malayin. (in Arabic)
- Ibn Ashour, M. (1420 AH). *Tafsir al-Tahrir and al-Tanweer known as Tafsir Ibn Ashur*. Beirut: Arab History Foundation. (in

- and rhetoric within the framework of the Qur'an. A dissertation to obtain a doctoral degree. National University of Modern Languages and Sciences, Islamabad. Pakistan. (in Arabic)
- Tabatabaei, M. (1374 SH). Translation of the interpretation of Al-Mizan. Qom: Teachers University, Qom Seminary. (in Persian)
- Al-Dhahar, N. (1402-1403 AH). Palace and its methods with an explanation of its secrets in the first third of the Holy Qur'an, Master. Kingdom of Saudi Arabia. Mecca: Umm Al-Qura University in Mecca. (in Arabic)
- Irfan, H. (1368 SH). Karanaha (a brief Persian explanation of meanings). Qom: abandoned. (in Persian)
- Fadali, M. (1365 SH). Study and criticism of important rhetorical issues. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research affiliated with the Ministry of Culture and Higher Education. First Edition. First time. (in Arabic)
- Qaiminia, A. (1400 SH Semantics 2. Qom: Subhan. First Edition. (in Persian)
- Qaiminia, Alireza. (1393 SH). Biology of the text: semiotics and interpretation of the Qur'an. Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute. second edition. (in Persian)
- Afghan teacher, M. (1410 AD). Al-Madras al-Afzal, Fima Yermoz and Yashar Aliyah fi al-Multol. Qom: Dar Al-Kitab Publishing. First time. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1371 SH). Interpretation of Namoneh. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. A young man. (in Persian)
- Hashemi, A. (1388 SH). Jawahar al Balagha. Translation: Hassan Irfan. Qom:nashr Balaghat. (in Persian)
- Arabic)
- Ibn Manzur, M. (1414 AH). Lean al- Arab. Beirut: Third Edition. (in Arabic)
- Al-Azhari, M. (1421 AH).Tahzib al-Loqah. Beirut: first edition. (in Arabic)
- Bustani, F. (1375 SH).Abjad dictionary. Tehran: Islamic Publishing. second edition. (in Persian)
- Taftazani, M. (1376 SH). mukhtasar al maani (Taftazani). Qom: Dar al-Fakr. Third edition.. (in Arabic)
- Jurjani, A. (1368 sh). Dalaail ul-'Ejaz Fil-Quran, Mashhad: Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute.
- Khafaji, A. (1417 AH). Al-Shahab's margin called Inayat al-Qadi and Kifaya al-Razi on Tafsir al-Baydawi. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Baydoun Publications. First edition. (in Arabic)
- Darraz, S. (1406 AH). Asalib al-Qasr in Al-Qur'an al-Karim and Asrar AL-Balagah. Cairo: Al-Amana Press. First edition. (in Arabic)
- Desouki, M. (1431 AH - 2010 AD). The book of Hashiyat al-Dasouki on Mukhtasar al-Saad.: Abdul Hamid Hindawi. Beirut: Al-Maktaba al-Asriyah Said. (in Arabic)
- Zarkashi, B. (1408 AH). Al-Borhan in the sciences of the Qur'an. Beirut: Dar Al Ehya Toras Al Arabi. (in Arabic)
- Zamakhshari, M. (1979 AD). Asas Al-Balaghah. Beirut: first edition. (in Arabic)
- Zuwai'i, T. (1997AD). Al-Balagha Al-Arabiyyah, the science of meanings between the rhetoric of the ancients and the stylistics of the moderns. Benghazi: Qaziunsun University Publications, first edition. (in Arabic)
- Suyuti, J. (1384 SH). Al-Itqan Fi `Ulum Al-Quran. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Arabic)
- Saeedi, A. (1973 AD). Boqyat al eedah ltalkis al Meftah. Cairo: Muhammad Ali Sobeih and Sons Library and Printing Press. Eighth edition.
- Sayadani, A. (1438 AH). An analytical study on the moral differences between palace styles. Research Publishing House in Arabic Language and Literature, 15, 33-46. (in Arabic)
- Taher, N. (2007AD). The phenomenon of limitation and brevity in terms of concept

